

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی جایگاه حقوق زن در شعر فارسی عصر مشروطه

۱- ظریفه سادات^۱ ۲- دکتر سید محمود کاویانی^۳ - رقیه ابراهیمی شهرآباد

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات دانشگاه جامعه المصطفی (ص) العالمیه» قم 1402.sadat1402.zarife@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه جامعه المصطفی (ص) العالمیه» قم mahmoud.kaviani@gmail.com

۳- استادیار دانشگاه جامعه المصطفی (ص) العالمیه» قم Baharanv@yahoo.com

چکیده

یکی از محوری‌ترین مضامین متلبور در ادبیات موضوع زن است. عشق به زن از متعالی‌ترین احساس مشترک روح انسان - هاست که به عنوان یکی از مضامین جاویدان شعری در ادبیات تمام ملل جهان و در همیشگی روزگاران حضور داشته است. نمی‌توان ادبیات و شعر را بدون حضور زن تصور کرد چرا که اگر این مضمون والا از شعر و ادبیات کنار گذاشته شد چیزی جز توصیف و تحلیل‌های صرف تاریخی و اجتماعی و سیاسی و عامیانه چیز دیگری از ادبیات بر جا نمی‌ماند. نقش و جایگاه زن در تحولات دینی، سیاسی اجتماعی قدمت طولانی دارد و این موضوع توجه بسیاری از صاحب نظران عرصه‌های مختلف را به خود جلب کرده است در این میان دین در ترسیم جایگاه زن نقش بسزایی داشته است. کم‌تر شاعری را می‌یابیم که به این موضوع گریزی نزده باشد و تصویری از آن در شعرش تجلی نیافته باشد. لذا هدف از تحقیق حاضر بررسی جایگاه حقوق زن در شعر فارسی عصر مشروطه بود که برای بررسی جایگاه حقوق زن اشعار شاعرانی چون پروین اعتصامی، ملک- الشعرا بهار، ایرج میرزا، نسیم شمال، دهخدا و فرخی یزدی مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: حقوق زنان، انقلاب، مشروطه، شعر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقدمه

مخالفت‌های ضددولتی زنان دوره قاجار را می‌توان به دوره پیش از مشروطه، انقلاب مشروطه و پس از آن تقسیم کرد. در دوره پس از مشروطه، زنان به انحصار تحت تأثیر علمای دینی و برای پاسداشت ارزش‌های مذهبی به میدان آمدند؛ از این رو اگر بتوان واکنش‌های سیاسی اجتماعی زنان در انقلاب مشروطه، به ویژه پس از آن را متأثر از افکار لیبرالیستی غرب و سوسیالیستی شرق دانست؛ ولی به هیچ روی نمی‌توان حضور سیاسی اجتماعی زنان در این دوره را به اندیشه‌های غیرملی و غیردینی نسبت داد. به هر روی، زنان در سال‌های پیش از مشروطه، حضوری چشم گیر و مؤثر داشته‌اند که برجسته‌ترین آن، نقش آنان در حادثه گریبایدوف، به ویژه فداکاری شان در پیروزی جنبش تنباکو است (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۲۷).

در این فرهنگ، ادب و زبان فارسی هم با توجه به دیدگاه‌های روشنفکران و حتی برخی شاعران آن دوره هم دچار تحولات زیادی شده است و چون ادب نویسان و شاعران هر دوره بیشتر تحت تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی و اخلاقی زمان خود قرار داشتند نوشته‌های آنان هم تحت تأثیر این دیدگاه‌های سیاسی متمایل به شرق یا دیدگاه فرهنگی-سیاسی و مذهبی قرار می‌گرفت.

دنیای شاعران معاصر به راحتی با جنبه‌های گوناگون روحی و روانی انسان‌های کامل و فرهیخته آشنا می‌شویم. غم‌ها و آرزوها، دردها و شادی‌ها، خوبی‌ها و بدی‌ها و همه صفات درونی و بیرونی انسان‌های یک شعر معاصر، در تمامی لحظات، برای ما به خوبی جلوه‌گر می‌شوند تا ما به دنیایی از تجربه‌های صاف و زلال زندگی دست یابیم. یکی از مسائل مهمی که در آثار شاعران معاصر باید جستجو کرد این است که این شاعران به چه میزان برای حقوق زنان و جایگاه آن در اشعارشان اهمیت قائل شده‌اند. در دوره‌های مختلف تاریخی زنان با محدودیت‌های فراوانی روبرو بوده‌اند. از جایگاه و حقوق اجتماعی خاصی برخوردار نبودند. اما با ورود دین مبین اسلام زنان از ارزش دیگری برخوردار شدند. در اسلام زن دارای کرامت انسانی، حقوق اجتماعی و ارزش‌های دینی و معنوی برخوردار می‌باشد. از دوره‌ی مشروطه به دلیل تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره زنان وارد فعالیت‌های اجتماعی شدند. اما دغدغه‌ی اصلی زنان روشنفکر و تحصیل کرده ناآگاهی ایران از حقوق خود و محرومیت آنان از فعالیت‌های مدنی، خانواده و اجتماعی بود؛ و شاعران به خوبی می‌توانستند این دغدغه‌ها را به خوبی بیان کنند. ما در این پژوهش سعی داریم جایگاه و حقوق زنان را این بار در اشعار شاعرانی چون پروین اعتصامی، ملک شعراء بهار، فرخی یزدی، علی‌اکبر دهخدا، ایرج میرزا و نسیم شمال مورد بررسی قرار دهیم. این که چه جایگاهی زنان در اشعار شاعران فارسی معاصر داشته‌اند و اینکه چقدر موفق شده‌اند تا حقوق و جایگاه زنان را در جامعه به زبان شعر بیان کنند؛ زیرا در هر دوره‌ای شاعران ظلم و ستم، ناعادلانه بودن جامعه و اوضاع جامعه را با شعر بیان می‌کردند. با بررسی شعرهای دوران مشروطه می‌توان تا حدودی جایگاه زن و حقوق آن در آن دوران مشخص شود. با توجه به تغییرات سیاسی دوره‌های مختلف جایگاه زنان هم که نیمی از اقشار جامعه فعال روزگاران مختلف بوده و هستند. حتی بررسی جایگاه زنان در دوره مشروطه با سایر دوره‌ها و شیوه‌های آداب و رسومی و فرهنگی در هر دوره قابل بحث بیشتری است حال می‌بینیم که دوره مشروطیت عصر رویدادهای مهم سیاسی و تحولات سریع اجتماعی در کشور ایران به شمار می‌رود و فرهنگ و ادب فارسی هم در این دوره از تأثیر چنین تحولاتی بر کنار نمانده و نوشته‌های ادبی به ویژه شعر فارسی هم در دوره مشروطه برای اولین بار به جای آنکه به مدح بزرگان بپردازد سرنوشت مشترک افراد جامعه را مدنظر قرار داده و موضوعات سیاسی اجتماعی را بیان کرده در این میان دسترسی به جایگاه زنان نیاز به دقت بیشتری را سوی صاحب‌نظران- ادیبان- مورخان دارد.

با توجه به طرح مشکل کلیدی و مسأله تحقیق در مبحث بیان مسأله که یکی از ابهامات مهم در ادبیات دوره‌ی مشروطه، مسأله‌ی زنان است. با تأمل در ادبیات کهن ایران این نکته به خوبی می‌توان دریافت که جایگاه زن به عنوان یک حضور

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اجتماعی و مؤثر جایگاه مطلوبی نبوده و در بررسی‌های به عمل آمده با شعر کلاسیک نسبت به زنان دیدگاه دیگر داشته و نگرش‌ها به ویژه در دوران قاجار نمود بیشتری داشته در این دوران اکثر ادیبان و شاعران در نوشته‌های خود به طرفداری از حقوق زنان پرداخته و با توجه به این که از مشروطه به دلیل تزییقات نظام مرد سالاری، امکان تحصیل و پرورش توانایی‌های فردی زنان کم بوده و ایشان نتوانستند آنچنان که در خور قابلیت‌های نهفته آنان است استعدادهای خود را شکوفا سازند و نام‌آور گردند. پس از عصر بیداری (مشروطه)، با فراهم شدن زمینه‌ها و مقدمات تحول اجتماعی و فرهنگی و با عمومیت یافتن سواد و گسترش صنعت چاپ و مطبوعات، ادبیات فارسی نیز دچار تحولاتی مهم گردید. در این راستا، شعر در حوزه معنا، دگرگونی‌های بسیاری پذیرفت و توانست مباحث گوناگونی را که قبلاً سابقه نداشت، رواج دهد و تا حد زیادی محیط را برای احقاق حقوق از دست رفته بانوان هموار کرد و به بیان ناگفته‌های بسیار پرداخت و سخن از وطن، آزادی، قانون تساوی و عدم تبعیض و نیازهای روز جامعه به زبان آورد (رادفر، ۱۳۸۴: ۱۸۱) زیرا به دلیل ویژگی‌های مرد سالاری در دوره‌های قبل از مشروطه متاسفانه با این تحولات سیاسی و اجتماعی دوره‌ی مشروطه حقوق اجتماعی و خانوادگی زنان به خوبی در همی بخش‌ها و کشور رعایت نشد در تحقیقاتی به بررسی جایگاه و نقش زن پرداخته شده است که به چند مورد از آنها اشاره می‌گردد: کریمی و مسعودی (۱۳۹۷): در تحقیقی به بررسی جایگاه زنان در شعر انوری پرداختند. آنها در این تحقیقی بیان کردند او در قصاید و قطعاتش از دیدگاه‌های مردسالارانه حاکم تبعیت کرده و اشعار ضد زن سروده؛ حال آن که در حوزه غزل، اساساً به دلیل مخاطب متفاوت این نوع ادبی، در ابیاتی به ستایش زنان پرداخته است. ابراهیم‌خانی و اسدی (۱۳۹۶): در تحقیقی به بررسی جایگاه زن در اشعار ملک‌الشعرا بهار پرداختند. در این مقاله سعی در تبیین جایگاه زن در اشعار بهار را دارد و بر آن بود به این پرسش پاسخ دهد که: تصویر زن در اشعار ملک‌الشعرا چگونه است مضامینی چون زن و نهاد خانواده، زن و حجاب، ستایش زنان برجسته، ترغیب زنان به علم‌آموزی، اخلاق زنان، اهمیت مادر بودن زن، صفات مادری و... از مهم‌ترین مضامین درباره زنان در شعر بهار است. تحلیل نهایی به دست آمده حاکی از آن است که نگرش شاعرانی چون بهار به زن در شعر دوره مشروطه تغییر کرده و برای اولین بار مضامین شعر این دوره به مسائل حقوقی زن می‌پردازد و زن از معشوقه بودن مطلق خارج می‌شود و عقلانیت، شخصیت و انسانیت او مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد. محسنی‌نیا و دانش (۱۳۸۸): در تحقیقی به بررسی زن از دیدگاه ملک‌الشعرا بهار و معروف اثر صافی پرداختند. در این مقاله دیدگاه ملک‌الشعرا بهار و معروف‌الرصافی درباره زن مورد بررسی قرار گرفته است. هر دو شاعر در اشعار خود به زن نگاه ویژه‌ای دارند. بهار از یک سو و امداد تفکرات سنتی جامعه در مورد زن است و از سوی دیگر، جز اولین شاعران ایرانی است که مدافع آزادی زنان است و با حجاب مخالفت می‌کند این در حالی است که رصافی موضع واحدی انتخاب کرده و در اشعارش همواره مدافع آزادی زن و خواستار حضور فعال وی در جامعه است. همانطور که بیان گردید در تحقیقات گذشته فقط جایگاه زن در اشعار برخی از اشعار دوران مشروطه مانند ملک‌الشعرا بهار، ایرج میرزا و پروین اعتصامی صورت گرفته است اما تاکنون در هیچ تحقیق به بررسی جایگاه زن در خانواده در اشعار شاعران دوران مشروطه پرداخته نشده است. لذا اهمیت و ضرورت دارد تحقیقی در زمینه بررسی اشعار شاعران دوران مشروطه روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان به خوبی با محدودیت‌های حقوقی زن در این زمان آشنا شد.

مختصری از جایگاه زن در خانواده

ادبیات جایگاهی ویژه در بازنمایی جامعه دارد و از طرف دیگر زن در ادبیات فارسی با چهره‌های متفاوتی نمایان شده است. لیک نیاکان گذشته‌های دور ایران؛ برای جنس زن واژه‌ی "زن" را برگزیدند. واژه‌ی زن به معنای "زندگی" و "زایندگی" است. این واژه در مقابل واژه‌ی "مرد" به معنای "میرا" و "مرگ‌پذیر" قرار می‌گیرد و گزینش این واژه، نشانگر جایگاه ارزشی زن در جهان بینی باستانی ایران است. زن در ادبیات فارسی جایگاه‌های چندگانه‌ای را بر عهده دارد؛ گاه مظهر عشق

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و دلدادگی است و عاشق است، گاه معشوق است، زمانی همسر است و در وقتی دیگر در مقام مادری دلسوز و فداکار و مربی تربیتی خانواده گاه زن مظهر پارسایی و توکل است و زمانی مظهر زهد و پرهیزگاری، گاه مظهر خردمندی و سیاستمداری و میهن پرستی است و در جایگاهی دیگر کینه توز و فتان (غنی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱).

جایگاه خانوادگی زنان در اشعار ملک الشعرا بهار

در دیوان بهار نهاد خانواده جایگاه بالایی دارد. خود بهار مردی اهل خانواده است و با وجود مشغله‌های فراوان از همسر و فرزندان خود در اشعارش بارها سخن می‌گوید. او به خانواده خود عشق می‌ورزد و زنان خانواده خود را نمونه بهترین زنان می‌داند.

بهار در شعر "زن شعر خداست" زن را سبب تکامل و زیبایی مرد و سازنده خوشبختی انسان می‌داند؛ از این‌رو زن را به شعر خداوند تشبیه نموده که نشان از کمال هنرمندی آفرینش پروردگار به هنگام خلقت انسان دارد:

زن بود شعر خدا، مرد بود نثر خدا
نثر هر چند به تنهایی خود هست نکو
مرد نثری سره و زن غزلی تر باشد
لیک با نظم چو پیوست نکوتر باشد

(بهار، ۱۳۸۷: ۳۵۴)

بهار در شعر "ای زن" بار دیگر از نقش زن در آفرینش انسان یاد می‌کند و آفرینش زن را اساس، بنیاد و بنای نیکی و نیکبختی در سراسر جهان آفرین می‌داند:

بنای نیک بختی را به گیتی
تو هم معمار و هم بنایی ای زن

(بهار، ۱۳۸۷: ۵۰۳)

در قصیده «خانواده» که در سال ۱۳۰۸ ه. ش سروده شده، بهار ویژگی زن خوب را از نظر خود بیان کرده و همسرش را تحسین می‌کند و او را نمونه زن نجیب، خانه‌دار، شوهردار و مادری واقعی می‌داند. بهار قوام و پایداری خانواده را به زن می‌داند و او را فرمانروای بی‌چون و چرای این ملک می‌داند همان‌گونه که همسرش در این سرزمین فرمانروا است:

وان خاتون کوست مادر اطفال
زیر نظر وی است هر چیزی
در ضبط خزینه و هزینه اوست
هم ناظر خانه است و هم بندار
زیر قلم وی است و در دستش
آزاد بود به خانه و بر زن
کدبانوی منزل است و نیک اختر
از مطیخ و از اتاق و از دفتر
چیزی که به خانه آید از هر در
هم مالک منزل است و هم سرور
خرج خود و خانواده و شوهر
مانند یکی امیر در کشور

(بهار، ۱۳۸۷: ۵۰۹)

بررسی جایگاه زن در خانواده از دیدگاه اشرف‌الدین گیلانی

موضوعات متعدد و متنوعی در اشعار وی تبلور یافته است که موضوع ازدواج و توجه ویژه به جایگاه زن در زندگی مشترک خانوادگی و رسیدگی به تعلیم و تربیت دختران، از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است.

نسیم شمال از طرفداران حقوق زنان در خانواده است و آنان را همانند مردان ارزشمند می‌داند. در شعر "زن و دندان" شاعر با زبانی ملیح و طنزآمیز از ارزش‌های بی‌شمار زن در قالب تشبیه و استعاره یاد می‌کند. بدون زن جهان مادی را ماندنی نمی‌داند؛ نیازمندی مردان به زنان را در سرشت انسان و حاصل حکمت خداوند می‌داند؛ و یادآور می‌شود که پروردگار عالی مرتبه از زنان مومن در قرآن مجید نام برده است؛ که نشان از جایگاه والا مقام زن در خانواده می‌باشد.

زن بود واجب برای زندگی
حق نهاد از وی بنای زندگی
روشن از زن شدسرای زندگی
هست دندان، آسیای زندگی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بی زن و دندان جهان زندان بود
آشکارا آدم و حوا نمود
هرکه جفت خویش را پیدا نمود
بی زن و دندان جهان زندان بود
زن بود شیرین تر از قند و نبات
کرد تعریف از نساء مؤمنات
بی زن و دندان جهان زندان بود

(گیلانی، ۱۳۹۹: همان: ۲۰۹-۲۰۷)

لذت دنیا زن و دندان بود
چون خدا تأسیس این دنیا نمود
خلق را از بهر زن، شیدا نمود
لذت دنیا زن و دندان بود
می‌شود زن باعث طول حیات
در کلام الله خدا از معجزات
لذت دنیا زن و دندان بود

از قول حضرت پیامبر (ص) زن را اینگونه مورد تکریم قرار می‌دهد و با رسم و رسوم اشتباه حاصل از کج فکری به مبارزه می‌پردازد جاهلی:

این زنان شمع و چراغ خانه اند
هر دو ظاهر گشته‌اند از نور ذات
در زمانه یک نفر آدم نبود
صدمه‌ای وارد نیارید از جفا
خانه‌ی خود در بهشت آباد کرد
عطر و تسبیح و زنان با تمیز
جان فرزندان فدای مادران

(گیلانی، ۱۳۹۹: همان: ص ۲۲۳)

این زنان، خوش بوی چون ریحانه‌اند
مرد و زن از مؤمنین و مؤمنات
زن اگر موجود در عالم نبود
دختران را دوست دارید از وفا
هرکه از خود دختری را شاد کرد
من ز دنیا دوست می‌دارم سه چیز:
هست جنت زیر پای مادران

زنان را از خود آزدن خلاف است
از یک زن بیشتر بردن خلاف است
همه پاکیزه و نیکو سرشتند
از یک زن بیشتر بردن خلاف است
دو زن باشد بلای ناگهانی
از یک زن بیشتر بردن خلاف است

(گیلانی، ۱۳۹۹: ۲۱۳-۲۱۵)

دو زن در خانه آوردن خلاف است
ز زن‌ها توسری خوردن خلاف است
زنان چون میوه باغ بهشتند
ولی بسته به بخت و سرنوشتند
ببر یک زن تو در فصل جوانی
به یک زن کن قناعت تا توانی

جایگاه جایگاه زن در خانواده از دیدگاه پروین اعتصامی

پروین اعتصامی در دیوان خود به جایگاه و حقوق زن در خانواده نیز اشاره می‌کند. در قطعه (فرشته انس) پروین زن را به عنوان دل خانواده وصف می‌کند و می‌گوید در وجودی که دل نباشد روان آن وجود مرده است. شالوده خلقت زن با مهر و محبت عجین و قرین گشته و زن تبلور صمیمیت، مهربانی، دوستی، حیات زندگی و شور و نشاط است.

در آن وجود که دل مرد، مرده است روان

در آن سرای که زن نیست انس و شفقت نیست

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پروین اعتصامی اذعان می‌دارد که یاری زن ره توشه مرد و نیروی او در زندگی است و ثروت و مال و منال حقیقی زن مهر و محبت فرزندان است.

توان و توش ره مرد چیست یاری زن
حطام و ثروت زن چیست مهر فرزندان
(اعتصامی، ۱۳۹۰: ۱۲۹)

پروین اعتصامی در اشعار خود زن و مرد را مکمل یکدیگر می‌داند و معتقد است که وجود هر کدام در کنار دیگری در زندگی لازم و ضروری است. شاعر تبیین می‌کند که دیگر زمان اطاعت‌های ناآگاهانه و ایثارهای غیر موجه به پایان رسیده اکنون زمان مشارکت و تفاهم برای حل مشکلات و معضلات زندگی است و در عرصه پر رنج زندگی یاری کردن زنان بزرگ‌ترین سرمایه برای مردان به شمار می‌آید.

پروین با استناد به آیات قرآن و احادیث، زن را رکن اساسی خانه می‌داند.

زن از نخست بود رکن خانه هستی
که ساخت خانه بی پایت و بی بنیان
پروین اعتصامی در شعر دیگری شکایت می‌کند از خانواده‌هایی که از به دنیا آمدن فرزند دختر خود شاکه هستند. از رسوم اجتماعی که بین دختر و پسر تبعیض برقرار کرده است، انتقاد می‌کند و تأکید می‌کند که این امر، سنت اعراب جاهلیت است که پارسیان به تقلید از آنان گرفته‌اند. مرد و زن جایگاهشان با هم برابر است و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارد.

ندانم این چه رسم روزگار است
که دختر داشتن هم عیب و عار است
اگر گویی زنت زاییده دختر
برای مرد فحشی آبدار است
عداوت با زن و دختر در اعراب
ز عهد جاهلیت یادگار است
ز تازی پارسی کرده است تقلید
بدین قباله گر اکنون دچار است
و گرنه آدمی چه ماده چه نر

(اعتصامی: ۱۳۸۰: ۵۲)

جایگاه زن در خانواده از دیدگاه علی اکبر دهخدا

علی اکبر دهخدا در کتاب دیوان دهخدا که توسط دکتر سید محمد دبیرسیاقی جمع‌آوری شده است به حقوق و جایگاه زن به صورت طنز آمیزی اشاره کرده است.

دهخدا در شعر با بهیمه فرق تو دانی به چیست؟ به مهربانی مادر اشاره می‌کند که بیان می‌کند مادر نامی از نام‌های خداوند است و مهربانی مادر را به مهربانی خداوند مرتبط کرده است.

با بهیمه فرق تو دانی چیست؟
هم به مستقبل نداند بُرد راه
لیک تو، از یاد محنت‌های پیش
وان گذشته رنج‌ها ندهی زیاد:
مرگِ مادر مَظْهَرِ اسمو دود
آنکه او را از گذشته باد نیست
صوفی است و وقتِ خود را پادشاه
جامه جان خرقه داری ری ریش
جورِ لالا و جفاری اوستاد
آن یتیمه اوقیانوس و جود
(دبیرسیاقی، ۱۳۶۰: ۸۵)

همچنین در شعر خطاب به خدا (مقام مادر) عطفوت و مهربانی مادران را توصیف می‌کند. و دردها و رنج‌هایی که در زندگی خود تجربه می‌کند به خاطر مهر مادری خود بیان می‌کند. و از جایگاه مهم مادر در خانواده نیز اشاره دارد.

چشمم همه بر عطفوت تست
در شفقّت و مهر بی قرینی
بر رحمت و مهر و رأفت تست
آنی تو که مادر آفرینی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آن ذات که مادر آفریند
جز شفقت ازو جهان چه بیند!
(دبیرسیاقی، ۱۳۶۰: ۱۱۲).

جایگاه اجتماعی زن در اشعار دوران مشروطه

در کشور ایران جایگاه اجتماعی زنان در دوران مشروطه را می‌توان جایگاه و حقوق زنان در نوع پوشش، تحصیل و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و ... در جامعه می‌باشد. که در ذیل به بررسی برخی از آنها در شاعران دوران مشروطه پرداخته خواهد شد.

ملک‌الشعرا بهار در تصنیفی با عنوان «صفت زن» نیز زن را در داشتن حجاب جاهل می‌خواند و او را به برافکندن حجاب فرا می‌خواند. بهار در قصیده «زن شعر خداست» بدبختی‌ها و عقب ماندگی‌های کشور را به حجاب نسبت می‌دهد و اظهار می‌دارد که با چادر نمی‌توان زن را حفظ کرد بلکه بدون حجاب او آزادتر است:

نشود منقطع از کشور ما این حرکات
تا که زن بسته و پیچیده به چادر باشد
حفظ ناموس ز معجز نتوان خواست بهار
که زن آزادتر اندر پس معجز باشد
(بهار، ۱۳۸۷: ۳۵۴)

باری ستایش زن و اهمیت و جایگاه او در خانواده و اجتماع از درون مایه‌های شعر نسیم شمال است که هم زمان با فکر آزادی‌خواهی و مشروطه خواهی در اشعار وی جلوه‌گر می‌شود.

ملک‌الشعرا بهار بر لزوم علم آموختن زنان به دلیل نقش مؤثرشان در تربیت نسل آینده تأکید، و آنان را به فراگیری آن تشویق می‌کند؛ چرا آنان را اصلی‌ترین مربیان جامعه می‌داند (محسنی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۸۹). بهار در شعر زیر از دختران می‌خواهد به ویژگی‌های ظاهری خود که نشان از باور سنتی دربارهٔ زن دارد، تکیه نکند و با تغییر در نگرش خود و با کسب علم و دانش، به هویت جدید دست یابد.

تکیه منمای به حسن و به جمال ای دختر
سعی کن در طلب علم و کمال ای دختر
ذرهای علم اگر در وسط مغز بود
به که در کنج لب دانهی خال ای دختر
پهنر نیست مؤثر صفت غنچ و دلال
با هنر جلوه کند غنچ و دلال ای دخت
(بهار، ۱۳۶۸: ۶۶۳)

جایگاه اجتماعی زن در اشعار اشرف‌الدین گیلانی

مطالعه برخی از اشعار سید اشرف‌الدین در خصوص عفت و عصمت و حجاب دختران دوران خود نشان می‌دهند که با توجه به ویژگی‌های فرهنگ اسلامی در آن زمان اشارات زیادی و رعایت حجاب، و آفتاب پنهان شده در چادر. آموزش فتون و هتر و ضایع زمان خود که نیاز آن‌ها می‌باشد تأکید فراوان داشته و به اجرای دستورات الهی و شرعی مثل روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان و رفتن آن‌ها به مساجد برای انجام فریضه نماز همچنین آموزش احکام اسلامی امر نموده است. از دیدگاه‌های دیگر اشرف‌الدین بر اساس قوانین اسلام مساله محرم و نامحرم بویژه در جمع‌های عمومی و کوچه‌ها و معابر زنان و دختران را دعوت به عصمت و حجاب عفاف لازم نموده است و به حجابی و بی‌عفتی شدیداً سرزنش کرده و به عواقب نامطلوب آن در جامعه دوران مشروطه مطالبی را بیان کرده است (روشنی، ۱۳۹۳: ۵۶).

نسیم شمال، حجاب را امری عقلانی بر می‌شمارد، چرا که از نظر او حجاب، پرده پوش گنج وجود زنان است و همان‌گونه که آنان گنج را از دسترس دزدان دور نگه می‌دارند، باید گنج وجودشان را نیز از دید نامحرم دور نگه دارند و دیگر اینکه حجاب، ره توشه‌ای برای ورود به سرای باقی است. او عاقلانه و هوشمندانه، تدین و تقید به سخنان پیامبران را، محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها و شرط سعادت در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌داند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هر چه مردان خدا گفتند باید گوش کرد
دختران گنجد باید گنج را روپوش کرد
در میان خلق باید فکر عقل و هوش کرد
وقت جان دادن شراب شهید و شیرین نوش کرد

(نسیم شمال، ۱۳۶۹: ۲۹۹)

او در شعر «عاشق بی‌پول» برای معشوق زن، علاوه بر عفت داشتن، زیبایی‌های ظاهری و دانا بودن، چادر و حجاب او را بدین دلیل که به شریعت دینی مانند نماز و سلام و صلوات پایندی دارد، کامل و بدون نقص می‌بیند؛ زیرا از نظر او ویژگی عقل مداری در انتخاب زن شایسته که منطبق با موازین و رهنمودهای دینی باشد اهمیت ویژه‌ای دارد:

خیمه عفتش از اطلس دیبا وزری است چادر پاکش از
آلایش هر عیب بریست
اولاً حفظ نمودم همه شریعت
عقل از عفت این عالمه می‌گردد مات
از قدوقامت و رفتار و روش رشک پرست وقت عاشقم
پول ندارم کوزه بده آب بیارم
عشق دارد به نماز و به سلام و صلوات
عاشقم پول ندارم کوزه بده آب بیارم
(نسیم شمال، ۱۳۶۹: ۱۱۲)

نسیم شمال به علم آموزی زنان به عنوان ابزاری مهم جهت رهایی از جهل، احراز حقوق و هویت و همچنین رسیدن به کمال انسانی تأکید دارد. این جنبه از مسأله زنان در شعر نسیم شمال بیشترین حجم اشعار را به خود اختصاص داده است (رحمانی و رحمانی، ۱۴۰۰: ۱۸۷). او هرگاه درباره زنان شعری سروده، به علم‌آموزی آنان نگاه ویژه داشته است:

ای دختر من تا رمقی در بدنت هست
آن وقت طلای تو به تکمیل عیار است
از مشق و طلب علم مکش دست
ای دختر من درس بخوان فصل بهار است
(نسیم شمال، ۱۳۹۹: ۶۲)

سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) از شاعران دوران مشروطه که حتی در آن دوران با تحصیل پسران مخالفت می‌کردند، او تحصیل دختران را ضروری می‌دانست. در شعر «فصل بهار» علاوه بر تشویق دختران به علم و دانش، آن را عامل اصلی در برطرف شدن مشکلات فراوان جامعه بانوان می‌داند. وی در زمره آن دسته از روشن‌فکران مذهبی بود که در مقابل مخالفت هم عصرانش ایستاد و معتقد بود که زنان هم باید مانند مردان باسواد باشند.

ای دختر من راه نجات تو بود علم
شاهد به مقام درجات تو بود علم
(میرمیران و رادینا، ۱۳۹۴: ۲۰۴۲)

بررسی جایگاه اجتماعی زنان در اشعار ایرج میرزا

ایرج میرزا همچون عشقی و عارف، حجاب را مهمترین عامل عقب ماندگی زنان شناخته و خود را مبارز بزرگ آرمان کشف حجاب معرفی کرده است.

به نظر می‌رسد «عمده کردن مسأله‌ی حجاب به عنوان مهمترین عامل عقب‌ماندگی زنان، موضوعی است که نوعی ساده‌نگری را در نگرش بسیاری از شاعران این دوره نسبت به مسائل پیچیده اجتماعی نشان می‌دهد، چرا که در اصل سیه‌روزی زنان، به دلیل شرایط نابسامان اجتماعی بوده است» (آجودانی، ۱۳۸۵: ۲۶۰).

حبس کردن زنان در خانه که نیمی از اجتماع انسانی جامعه هستند و ممانعت از حضور آنان در اجتماع با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی آنان منافات دارد او در این باره اشعاری سروده است که در ادامه به بررسی چند نمونه از آن‌ها پرداخته می‌شود:

نقاب دارد و دل را به جلوه آب کند
فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست
نعوذ بالله اگر جلوه بی‌نقاب کند
چرا که هر چه کند حیل در حجاب کند

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چو نیست ظاهر قرآن به وفق خواهش او
کجاست همت یک هیأتی ز بود گیان
نقاب بر رخ زن سد باب معرفت است
تو نیز پرده عصمت بیوش و رخ بفروز
به اعتدال ازین پرده مان رهایی نیست
رود به بطن و تفسیر ناصواب کند
که مردوار ز رخ پرده را جواب کند
کجاست دست حقیقت که فتح باب کند
و بهل که شیخ دغا عوعو کلاب کند
مگر مساعدتی دست انقلاب کند
(ایرج میرزا، ۱۳۵۶: ۱۴-۱۳)

ایرج میرزا برای فلسفه وجودی حجاب، دیدگاه‌های شخصی خود را به طور عامه‌پسند و در قالب مثال مطرح می‌نماید و مهم‌ترین فلسفه و چرایی دم از بی‌حجابی زدن را در تشخیص محرم از نامحرم و انتخاب در امر ازدواج می‌داند و با ذکر مثال‌هایی عامیانه، به تبیین چگونگی مواضع شخصی و اجتماعی خود در دفاع از بی‌حجابی می‌پردازد. ایرج میرزا یکی از راه‌های نجات از اسارت و بندگی زن را در تعلیم و تربیت می‌بیند و چونان زرگری قدر زر می‌شناسد. او در اشعارش از زنان آزاده استمداد می‌طلبد تا مسیرش را در راه رسیدن به عدالت و دست‌یابی به حقوق اجتماعی پی‌گیرند. ایرج میرزا در مرثیه دره‌المعالی، تاسیس مدارس از سوی او را به نیکی می‌ستاید:

دو باب مدرسه دختران بنا کردی
ترا به سایر زن‌ها قیاس نتوان کرد
بدون آن که کشی منت اهالی را
به جای زر که خرد کاسی سفالی را؟
(ایرج میرزا، ۱۳۹۷: ۵)

ایرج در غزلی، سیر ترقی در تعلیم و تربیت زنان و بیداری آنان را یادآور شده و آن را مایه پیشرفت ایران دانسته است:
با چنین گام که نسوان وطن پیش روند
عنقریب است که ایران شود ایران دگر
(ایرج میرزا، ۱۳۹۷: ۶۹)

بررسی جایگاه اجتماعی زنان در اشعار پروین اعتصامی
پروین اعتصامی یکی دیگر از شاعران دوران مشروطه که با حجاب مخالفت داشت. حقوق زن در اندیشه و تفکر پروین اعتصامی جایگاه ویژه‌ای دارد تا جایی که عنوان پایان نامه تحصیلی وی (زن و تاریخ) بود او بارها در دیوان خویش به نقش و جایگاه زن در عصر حاضر پرداخته و با تکیه بر علوم مختلف از جمله علم روان‌شناسی و محیط اجتماعی نقش حساس و هوشیارانه‌ی زن را به عنوان سازنده یک اجتماع به او گوشزد می‌کند.

دورانی که پروین در آن می‌زیسته است از لحاظ سیاسی، تاریخی، فرهنگی و ادبی بسیار حائز اهمیت است در سر تا سر دوره قاجار نامی از زن و آزادی زن نیست در این اوقات به تعلیم و تربیت زنان نیز چندان توجه نمی‌شد دبستانهای دخترانه وجود نداشت و دختران در مکتب حاضر نمی‌شدند

شعری از پروین اعتصامی که در زمان حکومت رضاشاه و در حمایت از کشف حجاب سروده شده است:

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت
کس چو زن اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد
در عدالتخانه انصاف زن شاهد نداشت
در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان
عیبها را جامه‌ی پرهیز پوشانده‌ست و بس
چشم و دل را پرده میبایست اما از عفاف
خسروا، دست توانای تو، آسان کرد کار
پیشه‌اش، جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
زن چه بود آن روزها، گر زان که زندانی نبود
کس چو زن در معبد سالوس، قربانی نبود
در دبستان فضیلت زن دبستانی نبود
در گلستان نام از این مرغ گلستانی نبود
جامه‌ی عجب و هوی بهتر ز عریانی نبود
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود
ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود
مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود
(اعتصامی، ۱۳۸۳: ۱۸۰)

شه نمی‌شد گردر این گمگشته کشتی ناخدای
باید این انوار را پروین به چشم عقل دید

حمایت از حقوق زنان در اشعار پروین نیز نمود دارد. «اشعار پروین جزو اولین فریادهای زن علیه فشارهای جامعه‌ای است که زن را از خود رانده و برای او موجودیت و هویتی در نظر نگرفته است. پروین به عنوان شاعر، وظیفه خویش می‌داند که زنان ایران را از وضعیتی که در گذشته داشته - اند آگاه کند...» (طاهری، ۱۳۸۷: ۴۸). شعر او با عنوان «زن در ایران» مهمترین شعری است که او در رابطه با زنان سروده است. این شعر بیش از هر چیز به مقوله لزوم تعلیم و تربیت زنان اشاره دارد:

پیشه اش، جز تیره روزی و پریشانی نبود
آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود
بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود
در گلستان، نام ازین مرغ گلستانی نبود
(طاهری، ۱۳۸۷: ۴۹).

زن در ایران، پیش ازین گوئی که ایرانی نبود
دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی جواب
میوه‌های دکه دانش فراوان بود لیک
در قفس می‌آرمید و در قفس می‌داد جان

یا در جای دیگری درباره زنان و اهمیت و لزوم تربیت و تعلیم زن چنین می‌سراید:

زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان

اشعار بالا به خوبی نشان می‌دهد که پروین تا چه حد دغدغه نیمی از پیکره جامعه را که خود نیز جزئی از آنان بود داشت. همچنین روشن است که او تنها درمان درد مهجوری زنان را در ایجاد فرصت برای تعلیم و تربیت آنان می‌داند. این شعر به خوبی نشان می‌دهد که پروین تا چه حد دغدغه نیمی از پیکره جامعه را داشت که خود نیز جزئی از آنان بود. همچنین روشن است که او تنها درمان درد مهجوری زنان را در ایجاد فرصت برای تعلیم و تربیت آنان می‌داند.

بررسی جایگاه اجتماعی زنان در اشعار فرخی یزدی

فرخی یزدی، مردی بی پروا بود که در انتقاد از اوضاع نابسامان کشور شعر می‌رود. مفهوم آزادی در بیان و کاربرد آن در اصطلاحات ویژه خاص شاعران، موضوعی بود که طبق خوشامدگویی مصالح زمانی و سیاسی شاعران تفسیر می‌شد و کشف حجاب از مواردی بود که موافقت با آن نوعی مدرنیته و تجدد گرایی، بی توجه به فرهنگ بومی و دینی، تلقی می‌گردید و حتی کسانی مانند فرخی یزدی که مخالف سیاست دولت و خواستار انقلاب و دگرگونی در آن بودند، از طرح مسئله حجاب و آزادی زن رویگردان نبودند،

اگر چه فرخی یزدی در اشعارش به موضوع بی حجابی زن زیاد نپرداخته است، اما آنچه در این مورد کم بچشم می‌خورد، بیشتر راجع به نقاب زنان و برکناری آن است. و پیش از این اشاره نمودیم که نقاب زن در طی زمان و بر اساس شرایط بومی، فرهنگی، امنیتی، شکل گرفت. بخصوص اینکه، خاص زنان اشراف بوده و نشانه‌ی احترام محسوب می‌گردید. بی حجابی زن را باعث خوشی و سادگی در روابط عاشقانه دانسته، جمال افروزی خورشید را مثالی و دلیلی دیگر برای بی حجابی و زیبایی زن می‌شمارد:

از پرده نوای مه روی، بیرون ز چه می‌نایی؟
گر سواده در آغوشی، و ر باده به مینایی
(فرخی یزدی، ۱۳۸۰: ۲۳۷)

بی پرده برآمد مهر، زین پرده مینایی
بر یاد شهید عشق، جامی زن و کامی جو

از نظر او برکناری نقاب و پرده از صورت زنان، از روی مهربانی آنان، باعث مدهوشی و بی خبری مردمان و حیرانی و دیوانگی عقول می‌شود:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تا برفکندی از مهر، ای ماه پرده از چهر بنیان عقل کندی، تراج هوش کردی
(همان: ۲۳۰)

از نظر او بدون حجاب بودن قامت زن، دگرگونی و هیجان فراوانی در دلها پدید می‌آورد؛
با چنین قامت گر آید درقیامت، بی حجاب صدقیامت را ز قد، هر گوشه، بر پا می‌کند
(همان: ۱۴۵)

«فرخی در مورد زنان و حق و حقوق آنها با احتیاط سخن گفته و ضمن حمایت از آزادی و تعلیم و تربیت زنان، در مورد داشتن یا نداشتن حجاب، ابراز عقیده نکرده است» (غلامرضایی و ملاکی، ۱۳۸۹).

بررسی جایگاه اجتماعی زنان در اشعار علی اکبر دهخدا

علی اکبر دهخدا در کتاب دیوان دهخدا که توسط دکتر سید محمد دبیرسیاقی جمع‌آوری شده است به حقوق و جایگاه زن به صورت طنز آمیزی اشاره کرده است. وی با زبانی طنز، تلمیح و کنایه نشان از آداب و رسوم تلخ، ناپسند و جاهلی آن زمان ارد که آنقدر جایگاه زن در خانواده مود توجه قرار نگرفته که حتی مردان از بردن نام همسر خود در محافل عمومی شرم داشتند که دهخدا این موضوع بیان می‌کند و نشان می‌دهد که زن و نام او اهمیت و ارزش دارد. دهخدا بیش تر در کتاب چرند و پرند خود جایگاه و حقوق زنان را به‌خوبی بیان کرده است که در این تحقیق چون اشعار شاعران مورد بررسی قرار گرفته ما فقط از اشعار که دهخدا به جایگاه اجتماعی زن اشاره دارد نقل می‌کنیم. دهخدا در شعری به نام چرند و پرند که از زبان کنسرت ایرانی که دخترک قوچانی در قهوه‌خانه می‌خواند نوشت که در ذیل به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

بزرگان جملگی مستِ غرورند	خدا کسی فکر ما نیست
ز انصاف و مروّت سخت دورند	خدا کسی فکر ما نیست
رعیت بی‌سواد و گنگ و کورند	خدا کسی فکر ما نیست
مگر مردان ما را خواب برده	خدا کسی فکر ما نیست
غیوران وطن را آب برده	خدا کسی فکر ما نیست
که اغیار آب را احباب برده	خدا کسی فکر ما نیست

(دبیرسیاقی: ۱۴-۱۳)

که این شعر ستم‌هایی که به دختران و زنان در آن زمان توسط روس‌ها و ترکمن‌ها صورت می‌گرفته است را بیان می‌کند. و به خوبی بی‌عدالتی علیه زنان و دختران که ازدواج ناخواسته و بی‌سوادی آن‌ها را بیان می‌کند.

نتیجه‌گیری کلی

یکی از مباحثی که امروزه مورد توجه محققان می‌باشد، بررسی نگرش‌های مختلف به شخصیت زن در ادبیات است. راهیابی زنان به شعر نیز امری اجتناب ناپذیر است که نقطه اوج آن در شعر مشروطه تجلی می‌یابد. زن در شعر مشروطه جلوه‌ای دیگر می‌یابد. خرد، شخصیت و انسانیت او مطرح شده و مورد بررسی شعرای آن عصر قرار می‌گیرد. همانطور که در صفحات اول اشاره گردید هدف از تحقیق حاضر بررسی جایگاه زنان در اشعار شاعران دوره مشروطه بود که برای بررسی جایگاه زن اشعرا شاعرانی چون پروین اعتصامی - ملک‌الشعرا بهار - ایرج میرزا - نسیم شمال - دهخدا - فرخی یزدی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

شاعران مورد نظر مدافع حقوق زنان بوده و به گونه‌ای به دفاع از زنان پرداخته، خواستار دست‌یابی آنان به حقوق فراموش شده خویش هستند. پروین اعتصامی، نسیم شمال، ملک‌الشعرا بهار و ایرج میرزا به صراحت از حقوق زنان و مسائل مرتبط با

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حقوق بانوان در عصر خود سخن گفته‌اند، ولی با توجه به اشعارش در باب آزادی زنان و حضور در عرصه‌های علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به نوعی او را می‌توان مدافع حقوق زنان دانست. بررسی کلیت سیمای زن در آثار سراینندگان نظم و پردازشگران نثر حاکی از این مسأله است که بیشتر آن‌ها مخالف حجاب (نقاب زنان که در دوران قاجار روان پیدا کرده بود) رایج زنان عصر خویش‌اند. همگی آن‌ها مدافع حقوق زنان و خواستار حضور زن در عرصه‌های اجتماعی و کسب علم و دانش هستند؛ خرافات و رسوم غلط رایج که بر زن ایرانی تحمیل شده است را نکوهش می‌کنند. زن ستیزی در آثارشان بسیار کم دیده می‌شود. زن در نظر برخی دیگر چون زین العابدین مراغه ای و نسیم شمال تلفیقی از هویت سنتی و مدرن را داراست که می‌تواند حدی مطلوب و الگویی ایده آل برای زن امروزی باشد به شرطی که زن در گزینش آزاد باشد. در نظر این افراد حجاب هیچ مانعی برای حضور زنان در جامعه و کسب علم و دانش نیست.

اگر مسأله‌ی زن را از دیدگاه شش شاعر عصر مشروطه، یعنی در میان پروین اعتصامی، ایرج میرزا، نسیم شمال، ملک الشعرای بهار، فرخی یزدی علی اکبر دهخدا این موضوع را بررسی کنیم در می‌یابیم که همه آن‌ها به جز اشرف الدین حسینی معروف به نسیم شمال به تبعیت از جامعه‌ی روشنفکری زمانه، پوشش رایج زنان ایرانی را مورد انتقاد قرار داده‌اند. اشرف‌الدین گیلانی هوادار حجاب است، اما در مورد ضرورت تعلیم امروزمینه زن با دیگران هم آواز می‌شود. دلیل مخالفت بیشتر شاعران مطرح عصر مشروطه را این گونه می‌توان تبیین کرد که این شاعران در دوره‌ای می‌زیستند که حضور دین در جامعه کم‌رنگ بود؛ خفقان شدید بر جامعه حاکم بود؛ شاهد تهاجم فرهنگی شدید غرب به ویژه فرهنگی بی‌حجابی بودیم؛ رضاخان قلدر با تأثیرپذیری از ترکیه‌ی نوین، اقداماتی را در جهت غربی کردن کشور انجام داد. از جمله‌ی این اقدامات کشف حجاب زنان بود. مجموعه‌ی این عوامل باعث شد که شاعران به راحتی نتوانند حرف دل خویش را به زبان بیاورند. به همین دلیل حجاب زنان شعر سرودند و به ناچار از این زیر فشار، بیشتر این شاعران در ستایش اقدامات رضاشاه به خصوص کشف حرکت حمایت کردند. ایرج میرزا در دیوان خود اشاره‌ای به جایگاه زن نکرده بود و بیشتر مسائل سیاسی، اجتماعی کشور در دوره‌ی خودش مورد بررسی قرار داده بود. در آخر پیشنهاد می‌گردد؛ در تحقیقات آتی تحقیقی در زمینه جایگاه زنان در اشعار چند دوره و مقایسه آن‌ها با یکدیگر مورد بررسی قرار گیرد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع

۱. ابراهیم خانی، لیلا و اسدی، سیدصالح (۱۳۹۶). بررسی جایگاه زن در اشعار ملک الشعرا بهار، همایش ملی ملک الشعراء بهار، مشهد.
۲. اعتصامی، پروین (۱۳۸۰). دیوان پرورین اعتصامی. چاپ پنجم، انتشارات نگاران قلم.
۳. اعتصامی، پروین (۱۳۸۳). دیوان پرورین اعتصامی. چاپ ششم، انتشارات نگاران قلم.
۴. اعتصامی، پروین (۱۳۹۶). دیوان پرورین اعتصامی. چاپ هفتم، انتشارات نگاران قلم.
۵. ایرج میرزا (۱۳۹۷). دیوان اشعار ایرج میرزا. چاپ اول، انتشارات ملینا.
۶. آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۵). یا مرگ، یا تجدد دفتری در شعر و ادب مشروطه. چاپ سوم، انتشارات اختران، دات.
۷. آدمیت، فریدون و ناطق، هما (۱۳۵۶). افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران: آگاه.
۸. بهار، محمدتقی (۱۳۶۸). دیوان ملک الشعرا بهار. انتشارات هرمس.
۹. بهار، محمدتقی (۱۳۸۷). دیوان ملک الشعاری بهار. انتشارات نگاه.
۱۰. بهار، محمدتقی (۱۳۹۷). دیوان ملک الشعرا بهار. انتشارات هرمس.
۱۱. بهار، محمدتقی (۱۳۹۷). دیوان ملک الشعرا بهار. انتشارات هرمس.
۱۲. دبیرسیاقی، محمد (۱۳۶۰). کتاب دیوان دهخدا. چاپ اول.
۱۳. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۴). زن و ادبیات سیاسی ایران. مجله‌ی بانوان شیعه، شماره ۵.
۱۴. غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷). سبک شناسی شعر پارسی. ج اول. تهران: انتشارات جامی، تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. کریمی، زهرا و مسعودی، فریبا (۱۳۹۷). جایگاه زنان در شعر انوری، چهارمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و آموزش و پرورش، تهران.
۱۶. گیلانی، سیداشرف‌الدین (۱۳۹۹). دیوان کامل نسیم شمال. چاپ سوم، انتشارات سعدی.
۱۷. محسنی‌نیا، ناصر و داشن، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی زن از دیدگاه ملک الشعرا بهار و معروف اثر صافی. نثر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)، دوره ۲۳، شماره ۲۶، ۲۸۳-۲۹۸.